



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 3, Issue 5, 2024

A Victimological Approach to Persons with Different Sexual-Gender Traits and Types (Queers) from the Legislative and Islamic Perspectives

Seyed Erfan Qaderi¹, Mehrdad Rayejian Asli^{2*}, Mozghan Amrollahi Biyoki³, Tehmoureth Bashiriyeh⁴

1. Ph.D Student, Department of Law, Emirates Branch, Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

2. Visiting Assistant Professor, Emirates Branch, Azad University, Dubai, United Arab Emirates (Faculty Member Department of Law and Jurisprudence Humanities Research and Development Institute). (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, south Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 123-135

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-0693-1888

TELL: +98 9111540904

Email: m.rayejian@samt.ac.ir

Article history:

Received: 08 Jan 2024

Revised: 13 Feb 2024

Accepted: 18 Feb 2024

Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

**Criminal Etiology,
Criminal Prevention,
Victimization, Queers.**

ABSTRACT

The causes of injury to queer people and its prevention are important issues that have not been discussed much. The purpose of this article is to examine this important question, what are the criminological causes of victimization of queer people and what are the criminal prevention strategies for the victimization of people with specific sexual-gender characteristics (queer)? The current article is descriptive and analytical and has been investigated using the library method. The findings indicate that the reasons for the victimization of People with specific sexual-gender characteristics (queer) can be explained based on the theory of rational choice, the theory of daily activities and lifestyle, the theory of victimization, the theory of acceleration of victimization, and stimulation by the victim. In addition, the delinquency of this spectrum has not been the concern of legal and judicial officials. Regarding the coercive and repressive approach, the legislator has tried to apply deterrent and preventive policies by appointing punitive and punitive punishments and policies of neutralization and sometimes elimination. However, in this type of policy, no distinction has been made between the acts committed by these groups due to genetic disorder or deviation.



This is an open access article under the CC BY license. © 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Qaderi, E; Rayejian Asli, M; Amrollahi Biyoki, M & Bashiriyeh, T (2024). "A Victimological Approach to Persons with Different Sexual-Gender Traits and Types (Queers) from the Legislative and Islamic Perspectives". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 123-135.



انجمن علمی فقه‌ برای تطبیق ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌ برای تطبیق

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

تبیین علل جرم‌شناسانه و راهکارهای پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی افراد دارای خصلت و منش جنسی - جنسیتی خاص (کوئیر)

سیدعرفان قادری^۱، مهرداد رایجیان اصلی^{۲*}، مزگان امراللهی بیوکی^۳، تهمورث بشیریه^۴

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.
۲. استادیار مدعو، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی، عضو هیأت علمی گروه حقوق و فقه پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (نویسنده مسؤول).
۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی این سؤال مهم است که علل جرم‌شناسانه بزه‌دیدگی افراد کوئیر چیست و راهکارهای پیشگیری کیفری بزه‌دیدگی افراد دارای خصلت و منش جنسی - جنسیتی خاص (کوئیر) کدام است؟ مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته شده است. علل بزه‌دیدگی افراد کوئیر و پیشگیری از آن از موضوعات مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که دلایل بزه‌دیدگی افراد دارای خصلت و منش جنسی - جنسیتی خاص (کوئیر) بر اساس نظریه انتخاب عقلانی، نظریه فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی، نظریه‌های بزه‌دیده مدار، نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده و تحریک از سوی خود بزه‌دیده قابل تبیین است؛ ضمن اینکه بزهکاری این طیف چندان مورد نظر و دغدغه دست‌اندرکاران قانونی و قضایی نبوده است. در خصوص رویکرد قهرآمیز و سرکوب‌مدار، قانون‌گذار با منصوب نمودن مجازات‌های حدی و تعزیری و سیاست‌های خنثی‌سازی و بعضاً حذف، سعی در اعمال سیاست‌های بازدارنده و پیشگیرانه نموده است؛ هرچند که در این نوع سیاست‌گذاری، هیچ‌گونه مرز تفکیکی میان اعمال ارتكابی این اقشار به سبب اختلال ژنتیکی و یا انحراف قائل نشده است. نتیجه اینکه لازم است راهکارهای پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی افراد دارای خصلت و منش جنسی - جنسیتی خاص (کوئیر) مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۳-۱۳۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۸۸۸-۰۶۹۳-۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۵۴۰۹۰۴

ایمیل: m.rayejian@samt.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

علت‌شناسی جنایی، پیشگیری کیفری، بزه‌دیدگی، کوئیرها.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین وجوه انسانی، هویت جنسی است. هویت جنسی فرد ممکن است با جنسیت تعیین شده یا زیستی در گواهی تولد ثبت شده او همسو نباشد. گاهی این عدم همسویی و یک جهتی می‌تواند مشکلاتی را به وجود آورد؛ به این معنا که ممکن است فردا از لحاظ زیستی ویژگی‌های یک جنس خاص را دارا بوده؛ اما از جهت روحی و روانی خود را متعلق به آن جنس نداند. گرایش جنسی ورای از هویت جنسی است، گرایش جنسی به کشش جنسی فرد به غیرهمجنس و یا هردو جنس اطلاق می‌شود. افرادی با گرایش‌های جنسی متفاوت از نوع متداول و مرسوم تمایلات جنسی (دگرجنسی‌گرایی) می‌توانند در زمره افشاری همچون همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسی‌ها و دوجنسیت‌ها قرار گیرند (قدیم‌زاده، ۱۳۹۴: ۵). مجموعه این افراد گروهی را در سراسر جهان با نمادی خاص تحت عنوان افراد دارای خصلت و منش جنسی-جنسیتی خاص (که در ادامه مقاله کوئیر خوانده می‌شوند) ایجاد کرده‌اند. کوئیرها در تمامی سنین و در تمام نقاط جهان از نقض حقوق بشر خود رنج می‌برند، آن‌ها معمولاً مورد حملات فیزیکی قرار می‌گیرند، ربوده می‌شوند، مورد تجاوز قرار می‌گیرند و به قتل می‌رسند؛ به‌خصوص توسط مرتکبینی که قربانی خود را بر اساس تعصب و نفرت انتخاب می‌کنند؛ بدین مفهوم که بزهدکاران، از گروه‌های اجتماعی خاص (به مانند کوئیرها) متنفر هستند و به‌دلیل باورها و تعصبات و عقاید افراطی خود با ارتکاب جرایم مختلف علیه اموال، جان و آبروی قربانیان انزجار خود را علیه آنها ابراز می‌کنند. ممکن است این گروه‌های اجتماعی که در جامعه آن‌ها (بزهدکاران) زندگی می‌کنند، در اقلیت باشند. گروه‌های اجتماعی خاص که بر اساس دین، مذهب، نژاد، تمایلات جنسی، هویت جنسی و وابستگی سیاسی توسط مجرمین انتخاب می‌شوند (امامی و احمدی، ۱۳۹۷: ۱). در نتیجه افشار کوئیر با توجه به تمایلات جنسی و یا هویت جنسی خود می‌توانند در زمره جرایم مبتنی بر نفرت قرار گیرند. کوئیرها همچنین می‌توانند در زمره افشار آسیب‌پذیر یک جامعه یا به‌تعبیری موضوع گروه‌های خاص بزهدیده در متون بزهدیده‌شناسی حمایتی قرار گیرند. در گذشته این گروه

ها بیشتر کودکان و زنان آسیب‌پذیری را که در آستانه خطر بزهدیدگی بودند و یا در عمل بزهدیده می‌شوند، در بر می‌گرفت؛ ولی در دهه‌های اخیر قلمروی این گروه‌های آسیب‌پذیر به‌اشخاص دیگری نیز گسترانده شده است (رایجیان اصلی، دیباچه در: بیات، ۱۳۹۵: ۷). در خصوص افراد ترنس و دارای اختلال جنسیتی از منظر حقوق کیفری، پژوهش‌های متعددی انجام شده است: پیمان عباسیان در مقاله‌ای به بررسی حقوق بیماران تی اس (ترنس سکشوال) بعد از تغییر جنسیت در قانون ایران پرداخته است (عباسیان، ۱۳۹۸)؛ همچنین سعید غیاثوند در مقاله‌ای، مسؤلیت کیفری افراد دارای اختلال جنسیتی در جرم قتل عمد نگاهی به‌مبانی فقهی در حقوق ایران را مورد بررسی قرار داده است (غیاثوند، ۱۳۹۸). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که در این مقاله به‌بررسی علل جرم‌شناسانه و راهکارهای پیشگیری کیفری از بزهدیدگی افراد دارای خصلت و منش جنسی-جنسیتی خاص (کوئیر) پرداخته می‌شود.

آنچه نگارش پژوهش حاضر را ضروری ساخته این است که افراد کوئیر به‌واسطه وضعیت خاصشان بیشتر از افراد عادی در معرض جرم و جنایت قرار دارند و درصد اینکه مورد سواستفاده دیگران در ارتکاب جرایم (مخصوصاً جرایم جنسی)؛ قرار بگیرند بسیار بالاتر از سایرین است. با در نظر گرفتن اینکه امکان سو استفاده جنسی از این افراد زیاد است ممکن است کسانی تمایل به برقراری رابطه جنسی و یا سواستفاده‌های دیگر جنسی از این افراد داشته باشند و یا مرتکب چنین عملی شوند. به‌توجه به آسیب‌پذیری افراد کوئیر، یکی از موضوعات مرتبط با آنها، تبیین علل جرم‌شناسانه و راهکارهای پیشگیرانه کیفری از بزهدیدگی افراد کوئیر است.

هدف مقاله بررسی این سؤال است که علل جرم‌شناسانه بزهدیدگی افراد کوئیر چیست و راهکارهای پیشگیرانه کیفری از بزهدیدگی این افراد کدام است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا علل جرم‌شناسانه بزهدیدگی افراد کوئیر

بررسی و در ادامه از راهکارهای پیشگیرانه در این خصوص بحث می‌شود.

۱- تبیین علل جرم‌شناسانه بزه‌دیدگی افراد کوئیر

«بزه‌دیده یکی از ارکان مهم پدیده مجرمانه است که متأسفانه تاکنون در پژوهش‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی جوامع موقعیت واقعی و تعیین‌کننده خود را نیافته است. صاحب‌نظران مسائل حقوق جزا و جرم‌شناسی بیشترین تلاش خود را بر عناصری چون مجرم، جرم و مجازات متمرکز نموده‌اند؛ در نتیجه قربانی جرم که اغلب در وقوع جرم نقش مؤثری ایفا می‌کند، از نظر دور مانده است. با ظهور بزه‌دیده‌شناسی در دهه‌های اخیر گام‌های مؤثری به‌منظور مطالعه علمی بزه‌دیدگان و شناسایی ویژگی و عملکرد آنان در ارتکاب جرم برداشته شده» (توجهی و ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۷۱-۸۰). و به‌سبب تأثیرگذاری انگیزه‌های اخلاقی و مذهبی چشم انداز جدیدی تحت عنوان (حمایت بزه‌دیده) فرا روی بزه‌دیده‌شناسان قرار گرفته است.

در میان بزه‌دیدگان گروه‌های خاصی وجود دارند که به‌دلیل داشتن شرایط و وضعیت‌هایی، بیش از دیگر هم‌تایان خود، در برابر جرم آسیب پذیرند (یکی از این اقشار نیز کوئیرها هستند). مطالعه این دسته از افراد (بزه‌دیدگان خاص) به‌طور جدی نخستین بار در نیمه سده بیستم، مورد توجه جرم‌شناسان واقع شد. این جریان که جز آن می‌توان به‌قربانی‌شناسی جنایی/ کیفری (یا همان بزه‌دیده‌شناسی به معنای اخص) یاد کرد. نقش بزه‌دیده را در شکل‌گیری فرایند رخداد جرم مفروض می‌گیرد و به‌همین دلیل در تاریخ بزه‌دیده‌شناسی به‌دور سرزنش بزه‌دیده موسوم است.

از آنجایی که اقشار کوئیر در برخی منابع جدید بزه‌دیده‌شناسی معاصر تحت عنوان بزه‌دیدگان خاص و آسیب‌پذیر در پرتو بزه‌دیده‌شناسی حمایتی قرار گرفته‌اند، باید اذعان داشت که حمایت از این اقشار زمانی مطرح می‌شود که این اقشار بزه‌دیده جرایم واقع شوند. اهمیت حمایت به‌خصوص حمایت کیفری از این افراد زمانی آشکار می‌شود که بدانیم بر اساس یافته‌های علم بزه‌دیده‌شناسی، کوئیرهای بزه‌دیده، معلول عوامل گوناگونی چون بعضاً ضعف جسمانی، عدم تعادل و

ثبات روحی، فقدان موقعیت و جایگاه اجتماعی از قبیل عدم حمایت‌های دولتی، انزوا و حمایت در محیط خانواده، مدرسه، دوستان و همسالان و عدم مراقبت‌های محیطی هستند. بنابراین احتمال بزه‌دیدگی آنان به لحاظ ویژگی‌های مطروحه بیشتر از سایرین است. به‌همین دلیل، این گروه از بزه‌دیدگان، در کنار کودکان، زنان، سالمندان و معلولان بزه‌دیدگان مستعد، بالقوه و آسیب‌پذیر می‌دانند که نیازمند حمایت‌های مالی، عاطفی، حیثیتی، پزشکی، حقوقی، اجتماعی و کیفری هستند.

۱-۱- نظریه انتخاب عقلانی

بکاریا را نخستین کسی دانسته‌اند که این آموزه را در چهارچوب مفهوم لذت‌باوری و اراده آزاد تبیین کرد. به‌باور بکاریا، کیفر باید با شدت جرم و خطرناکی بزه‌کار متناسب باشد؛ به‌طوری که هزینه جرم همواره از فایده آن بیشتر شود. در این صورت، کسانی که سودای ارتکاب جرم را در سر می‌پروراندند، از ارتکاب آن بازداشته می‌شوند؛ زیرا محاسبه خرد بنیاد آنان را به‌سودا وا می‌دارد. در نظریه مکانهای پرکژروی (انحراف خیز) که سیگل در کتاب‌های «جرم‌شناسی» خود (۲۰۱۸-۲۰۱۲-۲۰۱۱) معرفی کرده است؛ فرض می‌گیرد که قرار گرفتن افراد در مکانهای پر خطر، احتمال بزه‌دیدگی آنان را بالا می‌برد. پس، علت بزه‌دیدگی افراد، قرارگرفتن در ناحیه‌ها یا مکان‌هایی است که جرم‌خیز یا دچار بی‌سازمانی اجتماعی هستند (Sigel, 2011:70).

بدینسان، اگرچه بزه‌دیدگان، جرم را تشویق نمی‌کنند؛ ولی آسیب‌پذیرند؛ چون خود را در محیط‌های بی‌سازمان، موقعیت‌های پر خطر یا مکان‌هایی که احتمال رویارویی با بزه‌کاران بالاست، قرار می‌دهند؛ فارغ از اینکه با رفتار یا سبک زندگی‌شان رخداد جرم را سبب شده یا شتاب بخشیده باشند. به‌باور ویلیام جولیبوس ویلسن (جامعه‌شناس آمریکایی)، افراد مرفه تشخیص می‌دهند که با تغییر مکان به‌جایی که نظارت پلیسی بالاتر و میزان بزه‌کاری پایین‌تر است، می‌توان از بزه‌دیدگی پرهیز کرد. از آنجا که در یک جامعه مدرن (مثل آمریکا) تفاوت‌های درآمدی میان نژادی مهمی وجود دارند، سپید پوستان قادرند تا از ناحیه‌های

پرداختند؛ استدلال می‌کنند که برخی از تغییر فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی افراد ریشه دارند». در همین راستا، پاتریشیا و پل برنتینگهام، جرم‌شناسان کانادایی، نخست در سال ۱۹۸۱ و سپس در ۲۰۰۸، «نظریه الگوی جرم» را معرفی کردند که به موجب آن، بزهکاران به طور معمول در ناحیه‌هایی دست به ارتکاب جرم می‌زنند که در جریان فعالیت‌های روزمره برایشان شناخته شده بوده است. در یکی از تازه‌ترین پژوهش‌ها، استدلال شده که بزهکاران به‌طور معمول در ناحیه‌های محدود و مشخصی دست به ارتکاب جرم می‌زنند که با فعالیت‌های روزمره آنان هماهنگ هستند و برای یافتن فرصت از این ناحیه‌ها چندان دور نمی‌شوند.

همچنین نظریه "فضاهای قابل دفاع" فرصت ارتکاب جرم را بر اساس فضاهای همگانی و اختصاصی تبیین و چنین فرض می‌کند که بزهکاران به‌طور معمول دلیلی برای حضور در مکان‌های همگانی یا نیمه همگانی نمی‌بینند؛ از این رو، با فرق‌گذاری میان مکان‌های همگانی و اختصاصی می‌توان معیاری برای کنترل جرم و کاهش میزان آن اتخاذ کرد.

بر این اساس، نظریه فضاهای قابل دفاع مبتنی است بر کاربرد دست‌های از تدبیرهای فنی/مهندسی و محیطی به‌منظور کاهش جرم از گذر ترغیب افراد و گروه‌ها به حفاظت از فضاهای همگانی و اختصاصی در برابر تعدی و تجاوزهای بیرونی. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که قابلیت دفاع در این نظریه بیشتر به سازوکارها و تدبیرهای کنترل و محافظت در فضای اختصاصی (مانند خانه‌ها) تمرکز دارد.

گاه فرد کویبر خود موجب تسهیل و آسان شدن وقوع جرم می‌گردد. فرد کویبر علاوه بر اینکه به‌صورت غیرعمدی این آسانگری را باعث می‌شود، گاهی نیز عمداً موجب آسان شدن شرایط و اوضاع و احوال برای وقوع جرم می‌گردد. نقش آسانگر بزه‌دیده حتی در محاسبات بزهکار برای تصمیم به ارتکاب یا عدم ارتکاب بزه نیز می‌تواند مؤثر باشد. معمولاً زمانی که بزهکار، بزه‌دیده را در یک شرایطی بیابد که موانعی برای اجرای نیت سو خود نیابد، موقعیت آسان و ساده‌ای برای ارتکاب جرم تلقی می‌گردد. حال اگر بزه‌دیده خود این شرایط را فراهم بیاورد نقش آسانگری خود را به‌خوبی ایفا نموده

جرم‌خیز مرکزی شهر دوری کنند و بدینسان، اقلیت‌های نژادی (مانند سیاه‌پوستان) به‌عنوان آماج‌های مناسب بزه‌دیدگی در آن مکانها باقی می‌مانند (Willson, 2013:80).

بر اساس نظریه انتخاب عقلانی قرار گرفتن افراد کویبر در مکان‌های پر خطر، احتمال بزه‌دیدگی آنان را بالا می‌برد. پس، علت بزه‌دیدگی افراد کویبر، قرارگرفتن در ناحیه‌ها یا مکان‌هایی است که جرم خیز یا دچار بی‌سازمانی اجتماعی هستند؛ بدین‌سان، اگرچه بزه‌دیدگان کویبر، جرم را تشویق نمی‌کنند؛ ولی آسیب‌پذیر می‌باشند؛ چون خود را در محیط های بی‌سازمان، موقعیت‌های پر خطر یا مکان‌هایی که احتمال رویارویی با بزه‌کاران بالاست، قرار می‌دهند؛ فارغ از اینکه با رفتار یا سبک زندگی‌شان رخداد جرم را سبب شده یا شتاب بخشیده باشند.

۱-۲- نظریه فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی

نظریه فعالیت روزمره برای اولین بار توسط لاری کوهن و مارکوس فلسون در سال ۱۹۷۹ ارائه گردیده است. در نظریه فعالیت روزمره اعتقاد بر این است که جرم ارتکاب یافته و بزه دیدگی با طبیعت خصوصیات زندگی معمولی انسان یا به عبارتی تعامل‌ها و کنش‌های اجتماعی در ارتباط است و همزمان با تغییر این تعامل‌ها و خصوصیات نرخ جرایم نیز تغییر می‌یابد. همان متغیرهایی که فرصت‌های برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهد فرصت‌های وقوع خشونت و تعدی را هم فراهم می‌نماید. با توجه به‌نظریه بنیادی گزینش خرد بنیاد، فرصت‌های ارتکاب جرم که بزهکاران احتمالی همواره در آنها عمل می‌کنند، به‌فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی آنها بستگی دارد. این نظریه فرض می‌کند که سه عامل برای رخداد جرم ضروری است: یک) وجود یک بزهکار با انگیزه، دو) وجود یک آماج یا بزه‌دیده مناسب، سه) نبود یک نگهبان یا محافظ قابل. بدینسان، دگرگون ساختن اثر یکی از این عامل‌ها برای خنثی کردن فرصت جرم و یا پیشگیری از آن ضروری است (مقیمی، ۱۳۹۱، ۳۲).

برخی از جرم‌شناسان (رایجیان‌اصلی، ۱۴۰۱)، معتقدند «جرم‌شناسانی که در آغاز هزاره سوم به‌تبیین این نظریه

است. در بیشتر مواقع این موقعیت در یک محل خالی از افراد از جمله در منزل خود بزه‌دیده پیش می‌آید. آماج جرم می‌تواند شخص یا مال یا مکان خاصی باشد. وجود برخی ویژگی‌ها در افراد یا اماکن یا اموال، آنان را به آماج بالقوه جرم تبدیل می‌کند و امکان بزه‌دیدگی آنان را نسبت به سایرین بالاتر می‌برد. این شرایط و ویژگی‌ها در خصوص جرایم مختلف متفاوت است. در خصوص افراد کویبر نیز ویژگی‌های خاص این افراد ممکن است آنان را آماج بزه‌دیده‌گی قرار دهد.

۱-۳- نظریه‌های بزه‌دیده مدار

برای سالیان متمادی، تئوری‌های جرم‌شناسی متمرکز برای اعمال متهم بودند و نقش بزه‌دیده به‌گونه محسوسی نادیده گرفته می‌شد. سپس گروهی از محققان پی بردند که بزه‌دیده یک موضوع خنثی در جرم نیست؛ بلکه کسی است که رفتارش می‌تواند بر سرنوشتش مؤثر واقع شود و اینکه بزه‌دیده ممکن است با نیت قربانی شدن به‌عمل مجرمانه کمک نماید. در نتیجه در تشکیل جرم لازم است که بر روی بزه‌دیده تمرکزی خاص و ویژه صورت پذیرد. در خصوص بزه‌دیدگی، امروزه تئوری‌های مختلفی وجود دارد که به بیان و توجیه علل بزه‌دیدگی‌ها و قربانی‌هایی می‌پردازد که ما به اختصار به چند نمونه از آنها اشاره خواهیم کرد. و در نهایت نظریه شتاب‌دهندگی با محوریت نقش بزه‌دیده در تحریک و تشویق به‌عمل مجرمانه را با انطباق با رفتار و اعمال ارتكابی کوئیرها به تفصیل به منصف ظهور خواهیم رساند.

۱-۴- نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده

باتوجه به نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده، در جرایم جنسی این مسأله مطرح می‌شود که بزه‌دیده با رفتار و اقدام خود تا چه اندازه در رخداد جرم ارتكابی می‌تواند نقش‌آفرینی کرده و روند ارتكاب جرم را شتاب بخشد. «عوامل مؤثر در رخداد جرم، همواره موضوع مطالعات اندیشمندان علوم جنایی بوده است. در یکی از این نگرش‌ها عوامل ارتكاب جرم، نقش بزه‌دیده و ویژگی‌های خاص او در کانون توجه واقع شد و بر این اساس، مطالعه نقش بزه‌دیده در جرم ارتكابی، به‌طرح نظریه شتاب‌دهندگی انجامید که به‌موجب آن، بزه‌دیده با کنش و رفتار خود می‌تواند رخداد جرم از سوی بزهکار را شتاب ببخشد و

سبب گردد. در این میان، در اکثر جرایم جنسی، انگیزه و هدف بزهکار دستیابی به لذت آنی است؛ از این‌رو، ویژگی‌های خاص بزه‌دیده در انگیزه چنین مرتکبانی اهمیت ویژه‌ای دارد. در همین راستا، با توجه به نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده، در جرایم جنسی این مسأله مطرح می‌شود که بزه‌دیده با رفتار و اقدام خود تا چه اندازه در رخداد جرم ارتكابی می‌تواند نقش‌آفرینی کرده و روند ارتكاب جرم را شتاب بخشد. با در نظر گرفتن این نظریه و با استناد به پرونده‌های قضایی در ارتباط با جرایم و بزه‌دیدگی جنسی، مؤلفه‌های این شتاب‌دهندگی در چهار متغیر تحریک‌گری، آسان‌گری، تشویق‌گری و رضایت دادن به ارتكاب جرم قابل بررسی‌اند» (فرضی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۵-۱۱۱).

«نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده در شاخه بزه‌دیده شناسی تعامل‌گرا مطرح می‌شود. در این شاخه، میان‌کنش یا تعامل میان بزهکار و بزه‌دیده مورد توجه است. این تعامل می‌تواند شامل موضوعاتی همچون تعهد بزهکار به جبران خسارت بزه‌دیده و رابطه میان آنها شود؛ یعنی هم بر حمایت از بزه‌دیده تأکید می‌شود و هم نقش و تأثیر او در تکوین بزه مورد بررسی است. نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده به یک جنبه از تعامل میان بزهکار و بزه‌دیده توجه دارد و آن نقش و جایگاه بزه‌دیده و سهم او در فرایند شکل‌گیری عمل مجرمانه است» (فرضی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۵-۱۱۱).

در واقع نقش بزه‌دیده در برخی از جرایم چنان شدت می‌یابد که او را می‌توان شایسته سرزنش دانست؛ به‌گونه‌ای که حتی آنان را مسؤول بزه‌دیدگی خودشان معرفی کرد و مرتکب را از مسؤولیت مبرا شمرد. موضوع تحریک بزهکار از سوی بزه‌دیده جرم جنسی مقوله‌ای است که آمار زیادی از جرایم را به‌خود اختصاص داده است و مؤلفه بارز در شتاب‌دهندگی بزه‌دیده است. این امر در خصوص افراد کویبر نیز مصداق دارد.

۱-۵- تحریک و تشویق

زمانی محقق می‌شود که بزه‌دیده با الفاظ، رفتار، کردار و نوع پوشش سبب تحریک و تشویق بزهکار مستعد گردد. این مسأله در برخی موارد می‌تواند در خصوص افسار کوئیر

رفتار دگرپوشی، مبدل‌پوشی یا پوشیدن لباس جنس مخالف به منظور برانگیختگی یا تحریک جنسی است. مردی که اختلال دگرپوشی دارد، به دلیل تمایلات مبدل پوشی خود از اضطراب، افسردگی، احساس گناه یا شرم رنج می‌برد. مبدل‌پوشی بیشتر در مردان متداول است؛ اما در هر دو جنس مذکر و مؤنث اتفاق می‌افتد و اغلب در کودکی و نوجوانی آغاز می‌شود و می‌تواند شامل پوشیدن تنها یک تکه لباس که معمولاً تداعی‌کننده جنس مخالف است یا یک دست کامل لباس همراه با آرایش مو و صورت باشد، این فانتزی‌ها یا رفتارها بیانگر نوعی از انحرافات جنسی است که خصوصیت اصلی این نوع اختلال، تحریک جنسی است (حیدری‌سودجانی، ۱۳۹۲: ۶-۷).

بزه‌دیده ناخواسته و به‌علت وجود برخی ویژگی‌ها و خصایص شخصی منافع مهاجم را تهدید و یا او را تحریک می‌کند. این تشویق و تهییج ناخواسته می‌تواند در مورد اقشار کوئیر نیز صادق باشد. جرایم ناشی از نفرت در خصوص همجنس‌گرایان و یا دگرباشان، زمانی که برخی افراد به جهت عقاید افراطی و سنتی در برخورد با این اقشار اقدام به‌تهاجم و اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند، بدون آنکه بزه‌دیده کوئیر اقدام به‌عملی تحریک‌آمیز یا فعلی کرده باشد و یا همجنس‌گرایی که مورد خشونت از سوی والدین و یا دوستان خود قرار می‌گیرد، به جهت آنکه فرد مذکور را مورد انگ خانواده یا محیط دوستان قلمداد می‌کنند، بدون آنکه فرد در همجنس‌گرا شدن خود نقشی ایفا کند؛ به‌مانند جوان اهوازی که به‌دست برادر و پسر عموهای خود به‌قتل رسید، مصداق خشونت نسبت به‌دگرباشان و یا افراد دوجنسه نیز در شرایط خاص تسری دارد. نگاه‌های تبعیض‌آمیز و عدم حمایت قانونی خاصی می‌تواند از این قبیل موارد باشد (ابراهیمیان، ۱۳۹۰: ۴۲).

۲- پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی افراد کوئیر

جنبه کیفری پیش‌گیری واکنشی، مبتنی بر آموزه کاهش باوری است که بر پایه آن، با اعمال ضمانت اجرای کیفری می‌توان به‌کاهش جرم دست یافت. بدین‌سان، این آموزه را می‌توان رهیافتی پیامد‌باور توصیف کرد که با یک استدلال

مصداق بارزی داشته باشد. این اقشار به‌جهت شرایط خاصی که دارند، می‌توانند خواسته یا ناخواسته بیشتر خود را در معرض بزه‌دیدگی و آسیب‌پذیری سوق دهند و مستعد قربانی شدن قرار گیرند، آن‌ها طعمه‌های آسانتری برای بزهکاران و منحرفین جنسی هستند. همجنس‌گرایان بعضاً به‌جهت ارضای غریز روحی، عاطفی و امیال جنسی به‌دنبال یک پارتنر یا شریک از نوع جنسی خود می‌گردند و برای رسیدن به‌خواسته خود دست به رفتارها و اقداماتی نیز بزنند که در مسیر بزه‌دیدگی از سوی بزهکاران و منحرفین جنسی سوق پیدا کنند و مورد سواستفاده‌های متعددی از سوی آنان قرار بگیرند؛ چه بسا که در اکثر مواقع شریک آنان عمدتاً یک همجنس‌گرا نیست! نمونه مصداق فوق را به‌وضوح می‌توان در پارک دانشجوی تهران یافت.

دگرباشان نیز شرایط تقریباً مشابهی دارند، این اقشار به‌جهت ویژگی‌های خاص خود می‌توانند سبب شتاب بخشیدن به‌اعمال بزهکارانه مجرمین جنسی شوند، دگرباشان عمدتاً تمایل به شخصیت‌نمایشی دارند و به‌این جهت که به‌اطرافیان و جامعه القا کنند که یک زن واقعی و یا یک مرد واقعی هستند. رفتارهایی بیش از حد نرمال از خود بروز می‌دهند، پوششی نامناسب به‌همراه آرایش غلیظ و زننده، لحن حرف زدن همراه با ادا و اطوار و از این قبیل موارد که می‌تواند در جامعه بعضاً قربانی شدن خود را تسهیل ببخشند و دام منحرفین و بزهکاران جنسی قرار گیرند. گاهی مواقع این شتاب‌دهندگی به‌صورت ارادی و با هوشیاری صورت می‌پذیرد و آن زمانی است که مرتکب اعم از همجنس‌گرا دگرباش و یا حتی فرد دوجنسه به جهت شرایط و اوضاع نابسامان اقتصادی اقدام به‌تن‌فروشی کرده و خود را در مسیر بزه‌دیدگی قرار می‌دهد و یا ممکن است یک دگرباش و یا فرد دوجنسه (هرمافرودیت) خود را در معرض توأمان فاعل و مفعول قرار دهد و از این شرایط و ویژگی خاص خود در جهت تحریک و تشویق عمل مجرمانه نیز استفاده کند که در برخی مواقع اقدام فوق‌نشأت گرفته از شرایط و اوضاع نامساعد اقتصادی است (فرضی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۵-۹۶).

ماده ۲۳۴ فرد مفعول در هر صورت اعدام می‌شود و فاعل فقط در صورت (عنف، اکراه و همسر) اعدام خواهد شد. این تعبیر اندک؛ اما متعادل‌تر، تنها شامل فرد فاعل شده و فاعل فقط در صورتی که به مفعول تجاوز کرده باشد یا قبل از رابطه همجنس‌گرایانه، ازدواج کرده و با زن خود رابطه جنسی داشته باشد، اعدام خواهد شد. موقعیت دیگری که سبب مجازات سخت و اعمال سیاست حذف در خصوص فرد همجنس‌گرا شده و سبب انتصاب مجازات حدی می‌گردد، در جایی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد، در این صورت بر مبنای تبصره ماده ۲۳۴ حد فاعل اعدام در نظر گرفته شده است.

قانون‌گذار در ماده ۲۳۶ در باب تفخیز در صورت اقدام دو همجنس‌گرا حد فاعل و مفعول را صد ضربه شلاق دانسته و فرقی میان محسن و غیرمحسن و عنف و غیرعنف قائل نشده است؛ اما در تبصره آن مجدداً از سیاست حذف استفاده کرده و اعلام داشته در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.

قوانین کیفری در نظر گرفته شده برای زنان همجنس‌گرا از جمله محدود قوانین کیفری ایران است که اندک تبعیض مثبت جنسیتی را برای زنان در نظر گرفته است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ حد مساحقه برای هر یک از طرفین صد ضربه تازیانه قرار داده بود و اگر سه بار این امر تکرار می‌گشت، در مرتبه ۴ حد آن را قتل می‌دانست؛ اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اوضاع تغییر کرده و سیاست جنایی خفیف‌تری را در منسوب نمودن مجازات حدی در خصوص لزبینها و یا همجنس‌گرایان زن و صرفاً حد مساحقه را در ماده ۲۳۹ صد ضربه شلاق دانسته است؛ و ماده مربوط در خصوص سه بار تکرار را که منجر به اعدام می‌شده، حذف نموده است، همچنین در ماده ۲۴۰ همان قانون فرقی بین فاعل و مفعول، مسلمان و غیرمسلمان، محسن و غیر محسن و عنف و غیرعنف قائل نشده است.

در رابطه با وضعیت همجنس‌گرایان و دیگر اقلیت‌های جنسی در ایران به جهت غیرعلنی برگزار شدن جلسات دادگاهی که به مسائل اخلاقی می‌پردازد، تعیین همجنس‌گرایان و

فلسفی- اخلاقی به نام فایده باوری تقویت می‌شود. از آنجا که این فایده باوری بدون پذیرفتن به سزا بودن کیفر، منطقی به نظر نمی‌رسد، پس پیش‌گیری واکنشی کیفری در صورتی پذیرفتنی خواهد بود که به هر دو هدف فایده‌باوری و سزایاوری پایبند باشد. در این قسمت به بررسی پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی افراد کویبر پرداخته می‌شود.

۱-۲- توسل مجازات‌های حدی

یکی از مکانیزم‌های فایده‌گراانه مجازات، بازدارندگی یا همان ارعاب است. اعتقاد بر این است که با ترساندن می‌توان انسان را به عنوان یک موجود حسابگر از نتایج برخی اعمالش برحذر داشت. این نتیجه محتمل در حقوق کیفری مجازات است (یزدیان جعفری، ۱۳۸۸: ۲۰۷-۲۲۹).

اعمال مجازات به منظور ارعاب مجرمان بالقوه و بالفعل و آموختن درس عبرت به آنان یکی از اهرم‌های حل معمای بزهکاری و پیشگیری از جرم است. کیفری که در بطن نظریه بازدارندگی و به عنوان نخستین نسل از اقدامات پیشگیری‌کننده، سنگ‌بنای رسالت خویش را تولید هراس در اذهان قرار می‌دهد (دادبان و آقایی، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۴۸).

اعمال مجازات‌های حدی یکی از اهرم‌های پیشگیرانه و بازدارنده در برخورد با مجرمین جنسی است. هرچند که قانون‌گذاران در اکثر کشورهای اسلامی؛ از جمله ایران، سیاست جنایی افتراقی در برخورد با این اقشار در نظر نگرفته و همگی آنان را بدون توجه به این مسأله که آیا ارتکاب جرایم جنسی ریشه در اختلالات ژنتیکی، هورمون‌های دوران جنینی و یا به علت تأثیرات محیطی است و یا به جهت انحراف (به صورت اکتسابی و تقلیدی)؛ به یک چشم نگاه کرده و بعضاً مجازات‌های سخت و شدیدی را از قبیل اعدام، رجم، زندان و شلاق برای آنان در نظر گرفته‌اند. منسوب نمودن مجازات‌ها در جرایمی؛ چون زنا، لواط و مساحقه و هر نوع جرایم جنسی برای اقشار همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، دگرباش و دو جنسیتی مؤید و بیانگر این مطلب است. قانونگذار در ماده «۱۰۹» قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ حکم لواط (رابطه دوجنسی ۲ مرد با یکدیگر)؛ را اعدام قرار داده بود، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شریعت اندک تغییر کرده و بر اساس

جنسیت داده و یا زنی باشد که دارای آلت تناسلی مردانه و یا مردی که دارای آلت تناسلی زنانه باشد، حکم مترتب چیست؟».

به نظر یکی از فقها، «در جرم لواط و تفریح وجود ۲ طرف لازم است و هر ۲ می‌بایست مرد باشند. بنابراین اگر یکی مرد و دیگری زن باشد و یا شخص طرف مقابل خنثی باشد، عمل لواط محقق نخواهد شد. البته این امر برخلاف آن چیزی است که ایشان در خصوص جرم زنا گفته‌اند، چه اینکه ایشان جماع میان مرد و خنثی را در صورت اثبات واقعه، از عنوان زنا خارج نمی‌دانند در حالی که در بحث لواط معتقدند در صورتی که یکی از فاعل یا مفعول خنثی باشد، لواط قابل تحقق نیست» (مرعشی، ۱۳۷۰: ۶). ایشان در ادامه می‌فرمایند: «البته در اینکه بگوییم خنثی مشکله یا اساساً خنثی به‌طور کلی کمی محل بحث و تردید است؛ چراکه در خنثی مشکله قدر متقین لواط صورت نخواهد گرفت؛ چون معلوم نیست که دارای آلت تناسلی مردانه است یا زنانه؛ ولی نسبت به خنثی غیرمشکل با توجه به اینکه نزدیکی با خنثی از تعریف زنا خارج است، پس می‌توان قائل به این بود که لواط با فرد خنثی امکانپذیر نیست».

این عقیده به‌نظر نگارنده با توجه به قاعده فقهی «تدرا الحدود بالشبهات» مردود است، مگر اینکه پس از عمل تغییر جنسیت و ظاهر شدن جنسیت واقعی، در صورتی که تبدیل به جنس مذکر گردید. در این صورت، پس از واقعه و دخول طبق شرح قبلاً گفته شد، لواط محقق می‌شود و الا با حصول شبهه موضوع از عنوان لواط خارج می‌شود.

اداره حقوقی قوه قضاییه چنین اعلام داشت که «اگر فردی از نظر پزشکی مرد باشد؛ ولی دارای آلت تناسلی زنانه است و اگر زنی که دارای آلت تناسلی مردانه است، به‌عنوان یک بیماری، با انجام جراحی تغییر جنسیت حاصل نمی‌شود؛ بلکه با عمل جراحی، جنسیت واقعی شخص ظاهر می‌شود که از نظر حقوقی بلا اشکال است. مستند این عمل جراحی، فتوای امام (ره) در کتاب تحریر الوسیله است که آن را بلا اشکال دانسته و می‌فرمایند بعد از عمل، تمام احکام جنسیتی که ظاهر بر آن شده، مترتب می‌گردد» (شامبیاتی، ۱۳۷۶: ۴۷۲).

دگرباشان و دیگر اقلیت‌هایی که به‌این دلایل محکوم و اعدام شده‌اند، دشوار است.

یکی از مواردی که اتهام افراد اعلام شده به‌صراحت همجنس‌گرایی اعلام شد، اعدام ۳ مرد همجنس‌گرا در شهریور سال ۱۳۹۰ بود. روابط عمومی دادگستری استان خوزستان بعد از به‌دار آویختن این سه نفر در مستند قانونی حکم خود را ماده ۱۰۸ و ۱۱۰ قانون مجازات اسلامی وقت اعلام کرده بود، قبل از آن روزنامه کیهان از اعدام دو مرد به نام‌های مختار. ن ۲۴ ساله و علی. الف ۲۵ ساله در میدان شهید باهنر گرگان در ملأعام خبر داد و جرم آن‌ها را لواط اعلام کرد. خبرهای جسته و گریخته در خصوص منصوب نمودن مجازات‌های حدی در خصوص لواط‌کاران و دیگر اقلیت‌های جنسی در رسانه‌های جمعی نیز به‌صورت پراکنده شنیده می‌شود که اغلب به‌جهت وضعیت همجنس‌گرایان و دیگر اقلیت‌های جنسی در ایران به‌دلیل غیرعلنی برگزار شدن جلسات دادگاه، به‌دست آوردن آمار دقیق از این‌گونه پرونده‌ها کاری سخت و بسیار دشوار است؛ به‌مانند اعدام دو نوجوان لواط‌کار به‌عنف در مشهد و همچنین دو نوجوان لواط‌کار به‌عنف در مراغه که نگارنده با کنکاش و بررسی زیاد تنها اخبار و اعلان آن‌ها را از رسانه‌های خارجی و غیررسمی دریافت نمود (فولادی، ۱۳۹۹: ۶۵).

در مورد اقبشار دیگر کوئیر اعم از دوجنس‌گرایان و دگرباشان در صورت بروز اعمال مجرمانه جنسی، محاکم بدون در نظر گرفتن شرایط خاص و ویژه آنان اعم از وجود اختلال و یا ملال جنسیتی و همچنین بدون احتساب کیفیات مخفیه، احکام عموم زنا، لواط و مساحقه بر آنان بار می‌کنند. متأسفانه در این ۲ مصداق حکم روشنی از محاکم در دسترس نیست (فولادی، ۱۳۹۹: ۶۶).

فولادی (۱۳۹۹)، در کتاب بررسی تأثیر اختلالات جنسی در مسؤولیت کیفری مرتکبین جرایم جنسی حدی (زنا، لواط، مساحقه) اقدام به طرح پرسشی نمود. در مورد مسؤولیت کیفری مجرمین دو جنسیتی با همان هرمافرودیت (خنثی) در ارتکاب بزه (لواط سوآلی که مطرح می‌شود، آن است که اگر یکی از فاعل و یا مفعول خنثی باشد، یا فردی باشد که تغییر

تجزیری است. در تبصره ۱ همین ماده این حکم را در مورد انسان مؤنث نیز حاکم دانسته است.

منصوب نمودن مجازات تجزیری برای همجنس‌گرایی در غیر از لواط و تفریح و مساحقه در قانون مصوب ۱۳۷۰ نیز در چند ماده به صورت مجزا جاری بود که به بیان این مواد خواهیم پرداخت. در ماده ۱۲۳ قانون سابق قانون‌گذار اشعار داشته: هرگاه ۲ مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند، بدون ضرورت در زیر یک پوشش به طور برهنه قرار گیرند، هر ۲ تا ۹۹ ضربه شلاق تجزیر می‌شوند. در ماده ۱۲۴ اشعار دارد: هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت بیوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تجزیری می‌گیرد.

در ماده ۱۳۴ همین قانون مجازات تجزیری دیگری را از سوی قانونگذار مشاهده می‌کنیم: «هرگاه ۲ زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند، به صد ضربه تازیانه تجزیر می‌شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تجزیر در مرتبه‌ی سوم، به هر یک صد ضربه تازیانه زده می‌شود».

در بیان تفاوت قانون سابق و قانون مجازات ۱۳۹۲ در باب همجنس‌گرایی، ذکر چند نکته حائز اهمیت است؛ اولاً در قانون سابق نامی از ملاسمه آورده نشد؛ «ولی در قانون مجازات ۱۳۹۲ این واژه در کنار تفبیل ذکر شده است؛ ثانیاً مضاجعه که در ماده ۱۲۵ قانون سابق به صراحت جرم‌انگاری شده و حکم تکرار آن نیز تبیین گردیده بود، از قانون جدید حذف شده است، هر چند که هردو اصل مضاجعه و تکرار آن به‌طور ضمنی و با احاله به فقه اسلامی در ماده ۲۳۷ و تبصره‌های آن مجرمانه تلقی شده‌اند. ثالثاً، مجازات تفبیل و مضاجعه در این قانون، ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تجزیری درجه ۶ پیش‌بینی شده است و حال آنکه در مواد ۱۲۴ و ۱۲۵ قانون سابق برای تقیل و مضاجعه به ترتیب ۶۰ و کمتر از ۱۰۰ ضربه شلاق تعیین شده بود» (عزیزیان و مولوی وردنجانی، ۱۳۹۶: ۱۶۷).

از مواد دیگری که در قانون سابق ۱۳۷۰ مجازات تجزیری در باب همجنس‌گرایی به آن منصوب می‌شد، مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ نیز است. در ماده ۱۱۲ قانونگذار اشعار داشته: «هرگاه مرد بالغ

اما در خصوص شخصی که مرد یا زن بودن وی روشن و دارای آلت تناسلی جنس خود است، در صورت تغییر جنسیت با فرض جواز آن و عدم منع شرعی و قانونی، آنچه که مسلم است، اینکه این امر تأثیری در حقوق مالی و ولایتی ندارد؛ اما از جهت تحقق لواط موجب شبهه است؛ یعنی اگر زنی با عمل جراحی تبدیل به مرد شود یا زنی که به‌طور مادرزادی دارای آلت مردانه باشد، به‌نظر می‌رسد، در صورت مواجهه چه به‌عنوان فاعل یا مفعول با یک مرد، در تحقق بزه لواط جای شک است و در موارد شبهه باید راه احتیاط را پیمود و حداکثر آن را به‌عنوان عملی منافی عفت و رابطه نامشروع مورد مجازات تجزیری قرار داد (عزیزیان، و مولوی وردنجانی، ۱۳۹۶: ۱۶۱).

۲-۲- توسل به مجازات‌های تجزیری

یکی از موارد پیشگیری از بزهکاری و بازدارندگی از جرایم جنسی، اعمال مجازات است. عقوبتی که می‌تواند سبب حذف مجرم از طریق اعدام و رجم و یا خنثی‌سازی مرتکب از قبیل شلاق و زندان گردد. در قانون مجازات اسلامی بعضاً شاهد هستیم مجازات‌های تجزیری در کنار مجازات‌های حدی گریبان‌گیر مجرمین جنسی می‌گردد. لذا در این مبحث تجزیراتی که می‌تواند منصوب به‌اقتشار کوئیر گردد، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. قبل از شروع به‌بحث لازم به یادآوری و تأکید مجدد است که قانون‌گذار ایران تفکیک و مرز مشخصی میان همجنس‌گرایی و اعمال رفتارهای جنسی توسط همجنس‌گرایان، دگرباشان و سایر اقتشار کوئیر به‌جهت اختلالات ژنتیکی، هورمون‌های دوران جنینی و... با افرادی که مرتکب رفتارهای جنسی به‌سبب انحراف و کزروی می‌شوند، قائل نشده است و حذف واژه همجنس‌بازی از قانون جدید (که در گذشته در ماده ۱۲۷ قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ عیان بود) و تنظیم ماده ۲۳۷ قانون جدید و تبصره ۱ آن ماده نشان از عمومیت مطلق همجنس‌گرایی و هم جنس‌بازی دارد، مؤید و بیانگر این مطلب است.

ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفریح از قبیل تقلیل و ملاسمه از روی شهوت موجب ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق

و عاقل یا نابالغی لواط کند کشته می‌شود و مفعول اگر مکره نباشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری می‌شود». در ماده ۱۱۳ اینچنین بیان می‌دارد: هرگاه نابالغی دیگری را و طی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری می‌شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشند.

و اما در خصوص دگرباشان «در جرایم منافی عفت مثل زنا، لواط و مساحقه با عنایت به مجازات‌های این جرایم، تعیین جنسیت واحد اهمیت به سزایی است؛ از آنجا که تحقق زنا مستلزم برقراری رابطه جنسیت است و فرد مبتلا به اختلال یا (ملال جنسیتی) در زمان برقراری ارتباط با طرف مقابلش از قابلیت گرایش جنسی روشنی برخوردار نیست و مهم‌تر از آن، تا زمان انجام عمل تغییر جنسیت احکام و تکالیف جنسیت ظاهری و فعلی‌اش بر او جاری است، بنابراین شخصیت بالفعل او ملاک ارزیابی برای تحقق جرم و منسوب نمودن مجازات تعزیری و یا حدی بر وی است. بنابراین در این دسته از جرایم نمی‌توان جنسیت شخص مبتلا به ملال جنسیتی را ملحق به پس از انجام عمل جراحی بدانیم. در خصوص جرایم لواط و مساحقه نیز آنچه که ملاک برای تشخیص جنسیت به نظر می‌رسد و براساس همان می‌بایست تحقق ارکان مادی هر یک از این جرایم را مورد بررسی قرار داد» (عزیزیان و مولوی وردنجانی، ۱۳۹۶: ۶۸).

از موارد منسوب نمودن مجازات تعزیری به دگرباشان جنسی می‌توان از مبدل‌پوشی یا دگرپوشی آن‌ها یاد کرد. زمانی که شخص دچار ملال جنسیتی است، در انتخاب البسه و نحوه آراستن ظاهر خود دچار ابهام و سردرگمی می‌شود. فردی را متصور شوید که جنسیت انتسابی زمان تولد او مردانه بوده؛ اما خود را زن هویت‌یابی می‌کند به‌تعبیر دیگر، در زمان تولد با اندام و ظاهر جنسی متناسب به مردان به دنیا آمده؛ اما ذهن و روح آن‌ها کاملاً متضاد با جسم و اندام جنسی آنها است و دارای رفتار و افکار زنانه هستند. این فرد برای آنکه خود را در جامعه به‌عنوان یک زن واقعی نشان دهد، اقدام به پوشیدن لباس زنانه و همچنین آرایش زنانه می‌کند. در قوانین کیفری ما جرمی به عنوان مبدل‌پوشی دیده نمی‌شود؛ اما اقدام فوق در راستای رفتار خلافی منافی عفت و یا ارتکاب فعل حرام

جرم انگاری می‌شود و محاکم اقدام به صدور حکم بر مبنای این عناوین مجرمانه می‌کنند؛ نمونه آن را می‌توان در حکمی که از سوی شعبه ۵۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران صادر شد، مشاهده نمود. فردی اقدام به پوشیدن لباس و آرایش زنانه می‌نمود که دادگاه پس از بررسی جمیع جهات و اوضاع و احوال خاص در پرونده مرتکب را به‌استناد ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی تحت عنوان تظاهر به‌عمل حرام و همچنین جریحه‌دار نمودن عفت عمومی به مجازات تعزیری محکوم نمود. در خصوص ترنس مرد و منصوب نمودن مجازات تعزیری به‌وی اوضاع متفاوت است. ترنس مرد به فردی گفته می‌شود که جنسیت انتسابی زمان تولد آن‌ها زنانه بوده؛ ولی خود را در قالب مرد هویت‌یابی می‌کند (نیازمند و نجفی توانا، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۸۰)؛ یعنی ذهن و روح و روان آن‌ها کاملاً متضاد با جسم و اندام جنسی آنهاست و دارای رفتار و افکار مردانه هستند.

حال با توجه به توضیحات مرقومه، هدف اصلی نگارنده از بیان مصادیق فوق در خصوص مجازات‌های تعزیری و حدی در قوانین سابق و جدید، به‌تصویر کشیدن رویکرد قانونگذار جنایی ایران در برخورد با مجرمین و بزهکاران جنسی نیز است. با این هدف که مجازات‌های سخت، رعب‌آور و ترذیلی و منسوب نمودن به‌این اقشار، سیاستی چون پیشگیری از جرایم ارتكابی و بازدارندگی هرچه بیشتر آنان از تکرار جرم، در جامعه مبتنی بر شریعت و احکام اسلامی را دنبال می‌کند.

نتیجه‌گیری

کوئیرها به‌سبب ویژگی‌های ذاتی خود اهداف مناسبی برای بزهکاران و مجرمین جنسی به حساب می‌آیند و بیش از سایرین مستعد بزه‌دیدگی‌های جنسی و جرایم مبتنی بر خشونت قرار می‌گیرند و بعضاً به‌جهت نبود قوانین حمایتی به ورطه بزهکاری سوق پیدا می‌کنند، کما اینکه با مذاقه بر چگونگی تکوین اوضاعی که منجر به‌عمل مجرمانه می‌شوند، پی می‌بریم که این افراد به‌صورت خواسته یا ناخواسته درگیر مسائل فوق می‌گردند، چه بسا با رعایت برخی تدابیر حمایتی و رویکردهای پیشگیرانه به‌صورت قهرآمیز و غیر قهرآمیز می‌توانیم در فرایند جلوگیری از اعمال مجرمانه و همچنین

منابع

الف. فارسی و عربی

- بزه‌دیدگی آنان اقدامات مؤثری را به‌عمل آوریم؛ لذا این‌گونه می‌توان یافت که تعمیم پیشگیری به‌این افراد نیازمند توجه به دو رویکرد است؛ رویکرد اول زمانی است که این افراد بازیگر اصلی در ارتکاب جرم هستند و نقش مجرم را به‌صورت خواسته یا ناخواسته ایفا می‌کند و رویکرد دوم از آن جهت است که این اقشار به‌عنوان گروه آسیب‌پذیر مستعد در بزه‌دیده شدن جرایم جنسی، جرایم مبتنی بر نفرت و اعمال خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند. با در نظر گرفتن اینکه امکان سواستفاده جنسی از این افراد زیاد است ممکن است کسانی تمایل به برقراری رابطه جنسی و یا سواستفاده‌های دیگر جنسی از این افراد داشته باشند و یا مرتکب چنین عملی شوند. با توجه به اینکه قبح چنین عملی در عرف جامعه غالباً از انجام عمل مشابه با افراد معمولی و تک جنسیتی بیشتر است بهتر است قانون‌گذار با جرم‌انگاری چنین اعمالی در مواردی که متن قانونی خاصی وجود ندارد و با در نظر گرفتن مجازات تعزیری سنگین و ویژه‌ای به‌عنوان تشدید و تکمیل مجازات در مواردی که متن قانونی برای افراد معمولی وجود دارد به مجازات عاملین چنین جرایمی بپردازد.
- ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.
- تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.
- سهم نویسندگان:** سیدعرفان قادری: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله
مهرداد رایجیان اصلی: ارائه ایده و موضوع.
مژگان امراللهی بیوکی و تهمورث بشیریه: معرفی منابع.
کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند
- تشکر و قدردانی:** لازم است از اساتید گرامی که در تدوین و ارائه انتقادات باعث غنای مقاله شدند، قدردانی نمایم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.
- ابراهیمیان، طیبه (۱۳۹۰). حقوق جنسی زنان در فقه و حقوق موضوعه. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته فقه و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران مرکزی.
- امامی، امید و احمدی، حدیث (۱۳۹۷). «جرایم مبتنی بر نفرت». تهران: اولین همایش وابسته به بنیان علمی قانون یار (مطالعات و پژوهش‌های علمی علوم انسانی).
- بیات، محسن و رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۵). بزه دیدگان خاص در پرتو بزه‌دیده‌شناسی بیگانگان. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- توجهی، عبدالعلی و ابرنابادی، حسین (۱۳۷۸). «بزه‌دیده شناس و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده». نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۳ (۴): ۷۱-۸۰.
- حیدری‌سودجانی، اسماعیل (۱۳۹۲). جرم‌شناختی جنسی مبتنی بر رضایت. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- دادبان، حسن و آقایی، سارا (۱۳۸۸). «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۳ (۳): ۱۴۸-۱۲۵.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۴۰۱). کلیات جرم‌شناسی (محتوا و تحول از دیروز تا امروز). چاپ اول، تهران: نشر نگاه معاصر.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۶). حقوق کیفری اختصاصی. جلد سوم، چاپ پنجم، تهران: نشر ژوبین.
- عباسیان، پیمان (۱۳۹۸). «حقوق بیماران تی اس (ترنس سکشوال) بعد از تغییر جنسیت در قانون ایران». مجله معارف علوم اسلامی و علوم انسانی، ۱ (۲): ۳۵-۵۰.
- عزیزیان، مریم و مولوی وردنجانی، سعید (۱۳۹۶). «جرم‌انگاری همجنس‌گرایی با رویکرد انتقادی به ماده ۲۳۷ ق.م.ا». فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۹ (۱۷): ۱۵۷-۱۸۰.

ب. منابع لاتین

-Sigel, L (2011). *Criminology (the core)*. 1th ed., Bija: Publications Wadsworth.

-Willson, W (2013). *Criminal Law*. 1st ed., London: Publications University of London.

- عزیزیان، مریم، و مولوی وردنجانی، سعید (۱۳۹۶). «جرم‌انگاری همجنس‌گرایی با رویکرد انتقادی به ماده ۲۳۷ ق.م.ا.» *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۹ (۱۷): ۱۵۷-۱۸۰.

- غیاثوند، سعید (۱۳۹۸). «مسئولیت کیفری افراد دارای اختلال جنسیتی در جرم قتل عمد نگاهی به مبانی فقهی در حقوق ایران.» *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۵ (۳): ۱۱۷-۱۲۷.

- فرضی‌پور، حسین و رایجیان‌اصلی، مهرداد و دارابی، شهرداد (۱۴۰۰). «بزه‌دیدگی جنسی در پرتو نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده (با نمونه‌پژوهی برخی از پرونده‌های جرایم جنسی)». *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، ۱۵ (۴۶): ۹۵-۱۱۱.

- فولادی، محمدرضا (۱۳۹۹). *بررسی تأثیر اختلالات جنسی در مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم جنسی حدی (زنا، لواط، مساحقه)*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

- قدیم‌زاده، سمیه (۱۳۹۴). «بررسی روانشناسی دگرباشان جنسی اعم از همجنس‌گرایان - دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها به‌ویژه ترنسکشوال‌ها». تهران: دومین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی - روانشناسی - مشاوره و آموزش در ایران.

- مرعشی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۷). *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- مقیمی، مهدی (۱۳۹۱). «پیشگیری پلیسی از جرم با تأکید بر نظریه فعالیت‌های روزمره». *دانش انتظامی سمنان*، ۲ (۳): ۲۱-۵۷.

- نیازمند، ندا و نجفی توانا، علی (۱۳۹۴). «سیاست جنایی ایران در قبال بزه‌کاری افراد ترنس سکشوال». *فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۸ (۲۹): ۱۴۵-۱۸۰.

- یزدیان‌جعفری، جعفر (۱۳۸۸). «فرایند بازنگری مجازات‌ها موانع و محدودیت‌ها». *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۱۱ (۴۵): ۲۰۷-۲۲۹.